

امام خمینی‏ <sup>علیه‌السلام</sup> به‌رخنه عوامل اسرائیل به‌ویژه بهائیان در بسیاری از پست‌های کلیدی و حساس کشور اشاره کرده و چنین هشدار می‌دهند: «آقایان باید توجه داشته باشند که بسیاری از پست‌های حساسی به دست این فرقه است که حقیقتاً عمل اسرائیل هستند. خطر اسرائیل برای اسلام و ایران بسیار نزدیک است. پیمان با اسرائیل در مقابل دول اسلامی، با بسته شده یا می‌شود. لازم است، علمای اعلام و خطبای محترم، سایر طبقات را آگاه فرمایند که در موقعش بتوانیم جلوگیری کنیم. امروز روزی نیست که به سیره سلف صالح بتوان رفتار کرد. با سکوت و کناره‌گیری همه چیز را از دست خواهیم داد…»<sup>۱</sup> در سال ۱۳۴۱، ایشان بار دیگر خطر نفوذ و گسترش این فرقه منحرف در ارکان رژیم پهلوی را یادآور شده و فرمودند: «… اینجانب، حسب وظیفه شرعیه، به ملت ایران و مسلمین جهان اعلام خطر می‌کنم. قرآن کریم و اسلام در معرض خطر است؛ استقلال مملکت و اقتصاد آن در معرض قبضه صهیونیست‌هاست که در ایران به‌صورت حزب بهائی ظاهر شدند و مدتی نخواهد گذشت که با این سکوت مرگبار مسلمین، تمام اقتصاد این مملکت را با تأیید عمال خود قبضه می‌کنند… تلویزیون ایران، پایگاه جاسوسی یهود است و دولت‌ها ناظر آن هستند…»<sup>۲</sup> براین اساس یکی از سرسخت‌ترین عوامل نفوذی استعمار بهائیت و دشمنی آنان با انقلاب اسلامی و نفوذ و رخنه و ایجاد تفرقه در میان نیروهای انقلاب بوده و هست؛ لذا وحدت و همدلی نیروهای انقلاب در این زمینه، لازم و ضروری است.

درپایان و سخن آخر، این نکته را می‌توان از مبارزات امام و نهضت امام در مبارزه با استعمارگران درس گرفت که امام در مقابل اندیشه‌های حکمرانی غربی و کمونیستی و دیگر اندیشه‌ها و نحله‌های فکری، به اندیشه دینی و اسلامی رسید که مبانی قرآنی و اسلامی داشت وآن احیای اندیشه تمدن اسلامی با محوریت حکمرانی فقها و حاکمیت فقیه که براساس مبانی اسلامی بود؛ امام در مقابل نفوذ استعمارگران پس از تجزیه قلمروی بزرگ اسلامی که اندیشمندان اسلامی برای خلافت اسلامی جایگزینی نداشتند و دنبال الکراهی غربی و استبدادی نوین بودند، این اندیشه را مطرح نمود و در این زمینه کتاب نوشتند و تدریس کردند و از توانمندی فقه در اداره کشورها رمز گشوند و فقه را از انزوا، به میدان و جایگاه واقعی آن رساند؛ غرب در ستیز با افکار امام و مقابله با اندیشه ولایت فقیه دگرپرا آشوب‌گرانی را در قلمرو بزرگ اسلامی به راه انداخت به‌نام داعش یا خلافت شام و عراق که به‌ظاهر فریبنده و مرتبط با خلافت و اندیشه خلافت اسلامی و جذاب برای جوانان؛ اما در باطن نمایان‌گر توحش و خون‌ریزی به‌نام اسلام و اسلام‌هراسی بود که با مبارزات مجاهدان اسلام و سرداران شهید و فرماندهانی چون جاج قاسم و همراهان در عراق چون ابومهدی المهندس و یاران شهیدشان فروکش نمود و در ادامه همان توطئه غرب و استعمار برای مبارزه و مقابله با اندیشه تجزیه شکست‌خورده قبل از داعش را با مسلط نمودن گروهی از تحصیل‌کردگان مدارس پاکستان که بی‌حمایت و توجه استعمارگرانی چون انگلیس و دیگر ایادی استعماری نیست، تشکیل داده به‌نام طالبان و امارت اسلامی، پس از شکست طرح اعاده خلافت اسلامی در مقابل اندیشه امام که ولایت فقیه و فقها می‌باشد.

بی‌گمان این طرح‌ها پشت پرده استعماری دارد که باید جوانان جهان اسلام به این توطئه‌ها آگاه باشند که پس از وهابیت و بهائیت برای رخنه در میان امت اسلامی این گروه‌ها توسط غرب برای استمرار جنگ و نفاق و تفرقه، ساخته شده و مورد حمایت تسلیحاتی غرب قرار گرفتند. تقریب امت اسلامی و نزدیکی دل‌ها و دیدارهای مستمر و ارتباط دائم بین فقهای بزرگ امت اسلامی، یکی از راه‌های مقابله با این دسیسه‌هاست که از آمال و اندیشه‌های امام خمینی <sup>علیه‌السلام</sup> می‌باشد؛ علمای بلاد و ممالک اسلامی در این راستا، باید پیشگام و فعال بوده و تدابیری اساسی در پیش گیرند تا از دام و حیل‌های استعمارگران رهایی و آسودگی داشته باشند؛ علمای اسلام در روشنگری و ارتباط با جوانان نیز، باید همت مضاعف داشته باشند تا جذب جریان‌های منحرف و غربی که به‌نام اسلام دکان‌داری می‌کنند، نشوند.

برگزاری نشست‌ها و همایش‌ها و جلسات علمی و گفت‌وگوهای بین‌المدّاهبی در سیره اهل‌بیت <sup>علیهم‌السلام</sup> بسیار برجسته است که می‌تواند راه‌گشای بسیاری از مشکلات جهان اسلام باشد. امام خمینی <sup>علیه‌السلام</sup> به این مؤلفه توجه ویژه داشتند و در دفاع از مردم و علمای اسلامی بلاد دیگر همچون فلسطین تأکید نمودند و برای رهایی فلسطین از چنگال استعمار، از نهضت فلسطین حمایت نمودند. اگر امروز دشمن با جنگ ترکیبی با تمام توان وقوا به تخریب چهره امام، رهبری و روحانیت، با انواع شعارهای فریبنده در میان جوانان برآمده است؛ چون در طول تاریخ سیلی‌های محکم از این جریان خورده است و مبارزه و جهاد روحانیت در مقابل زیاده‌خواهی استعمار و دست‌نشانده‌های استبدادی‌شان و شکست‌های پی در پی آنان، آنان را به دشمنی با روحانیت و شایعه‌پراکنی در فضای مجازی و شبکه‌های ماهواره‌ای و ایجاد جنگ‌های فیزیکی سخت ونم وای دارد؛ لذا حوزه‌های علمیه، باید ارتباط خود را با مردم و جوانان گسترده و نزدیک نمایند.

- پی‌نوشت**

- نصرالله صالحی، «جنگ جهانی اول و واکش علمای ایرانی مقیم عراق، در ایران و جنگ جهانی اول، ج.۱، ص۲۱۱و۲۱۲؛
- تاریخ سیاسی معاصر ایران، سید جلال‌الدین مدنی، ج.۱، ص۱۲۸؛
- صحیفه نور، ج ۱، ص ۴؛
- صحیفه نور، ج ۱، ج اول، ص ۲۴؛
- همان، ص ۲۵–۳۴.

استفاده از پایگاه مرجعیت شیعه توانستند، رژیم سلطنتی پهلوی راغیرمشروع دانسته و «حکومت اسلامی» را به‌عنوان طرحی جای‌گزین ارائه نمایند.

روش امام خمینی <sup>علیه‌السلام</sup> در مبارزه با استبداد و استعمار، به‌جهت برخورداری از جایگاه مرجعیت دینی و پایگاه مردمی، به جهت‌گیری‌ها و رویکردهای انقلابی‌اش کاملاً با معیارهای دینی منطبق و مکتبش ملهم از اهل‌بیت <sup>علیهم‌السلام</sup> بود.

اگرچه مشروعیت رهبری انقلابی امام خمینی <sup>علیه‌السلام</sup> نه فقط به‌دلیل داشتن صفات شخصی ممتاز ایشان بلکه مهم‌تر، به-سبب قرار گرفتن ایشان در جایگاه مرجعیت و رهبری و زعامت دینی بود که موجب گردید، مردم ایران گوش جان به فرامین ایشان بسپارند و اطاعت از وی را بر خود فرض و واجب بدانند؛ از آن‌رو که زبان مبارزه امام، سخن و خواسته مردم بود، رهبریتش فراگیر شد و زمینه قیادت و رهبری امام خمینی <sup>علیه‌السلام</sup> هم، با توجه به مرجعیت ایشان مطرح شد. اگرچه امام هرگز با این قصد در حرکت‌های انقلابی قدمی برنداشت؛ اما وقتی امام در سیزده خرداد چهل و دو دستگیر شد، مردم به‌عنوان حمایت از مرجع تقلید خود و برای آزادی وی قیام کردند و به این ترتیب، قیام پانزده خرداد رخ داد و آن، آغاز نهضت و شکوفه‌های شروع انقلاب اسلامی و نفی مشروعیت حاکمیت استبداد بود.

این پیشتازی و طلایه‌داری امام خمینی <sup>علیه‌السلام</sup> به‌عنوان مرجع و رهبری دینی بود که مراجع دیگر همچون آیات عظام گلپایگانی، مرعشی نجفی و وعلمای مشهد و بلاد دیگرحتی نجف، به‌مناسبت‌های گوناگون و حساس انقلاب، اعلامیه صادر و از نهضت امام <sup>علیه‌السلام</sup> حمایت کردند؛ نکته مهم این است که پشتیبانی مراجع عظام تقلید وحوزه‌های دینی از نهضت امام خمینی <sup>علیه‌السلام</sup> از جمله در آغاز نهضت چه در اعتراض به تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و چه اعتراض به دستگیری امام <sup>علیه‌السلام</sup> توسط استبداد و تلاش برای آزادی ایشان و نیز اعتراض به تبعید ایشان به ترکیه و همچنین حضور مؤثر آنان در هدایت مردم در قیام ۱۹ دی را که در واقع اعتراض به توهین به امام در مطبوعات توسط عوامل رژیم پهلوی بود، نمی‌توان نادیده انگاشت.

مراجع عظام و علمای بلاد با عدم حضور امام در ایران، اهداف امام را در هدایت مردم پی گرفتند و به صدور اعلامیه حمایت مبادرت کردند و پشتیبانی خود را از نهضت امام و انقلاب اعلام نمودند؛ این حمایت‌ها و پشتیبانی‌ها همه تحت‌الشعاع محوریت رهبری انقلابی امام خمینی <sup>علیه‌السلام</sup> قرار داشت و در واقع رهبری امام در کانون توجهات و اقبال مردم بود و رهبری سرآمد و شعاع هدایت و رهبری ایشان، چنان پرتوافکنی می‌کرد که حتی مخالفان غیرمذهبی شاه هم نمی‌توانستند، رهبری آن را انکار نمایند؛ ولی آنچه در اینجا اهمیت دارد، این است که امام خمینی <sup>علیه‌السلام</sup> با تمام ویژگی‌ها و عنایت‌های خاصی که از ناحیه خداوند بهره‌مند بودند، از جایگاه و پایگاه مرجعیت و رهبری دینی، انقلاب اسلامی را هدایت و رهبری کردند تا اینکه خداوند مردم را در این انقلاب به پیروزی رساند و همین پایگاه مرجعیت و رهبری دینی بعد از پیروزی انقلاب هم، در جهت استقرار نظام جمهوری اسلامی و تثبیت آن و در مقابله با توطئه‌ها و دشمنی‌هایی که بر علیه انقلاب انجام گرفت، نقش حمایت و پشتیبانی از انقلاب و نظام جمهوری اسلامی را استمرار بخشید.

از جمله حرکات و مواضع ضد استعماری و استبدادی امام، مقابله با بهائیت بود که در سلطه استعمار، اهدافی را در ایران دنبال می‌کردند؛ امام همزمان با مبارزه روشنگرانه در مقابل استبداد، با صهیونیسم بهائیت نیز که از دسیسه‌های استعماری بود، موضع گرفت تا مردم از همسویی دستگاه استبداد با منافع استعمارگران با گماشته‌هایی چون بهائیان آگاهی داشته باشند.

در این راستا حضرت امام خمینی <sup>علیه‌السلام</sup> در سال ۱۳۲۱، ضمن انتقاد از سکوت جامعه مسلمانان نسبت به ظلم‌ها و مشکلات مسلمین، خصلت وحدت و اتحاد بهائیان را مورد اشاره قرار داده و خطاب به مؤمنین می‌فرماید: «خوب است دینداری را از بهائیان یاد بگیرید که اگر یک نفر از آنها در یک ده زندگی کند، از مراکز حساس، آنها با او رابطه دارند و اگر جزئی تعدی به او شود، برای او قیام می‌کنند».<sup>۳</sup>

امام خمینی <sup>علیه‌السلام</sup> در سال ۱۳۴۱، فرقه ضالّه بهائیت را یک حزب سیاسی خواندند؛ و اینکه که به‌مدد پیروزی انقلاب اسلامی، اسناد بسیاری از روابط این فرقه با صهیونیست‌ها افشا شده، صحت این نظریه بیش از پیش اثبات گردیده است.



## امام خمینی علیه‌السلام

# و مبارزات ضد استعماری و ضد استبدادی

حجت‌الاسلام امیرعلی حسنلو، مدیر گروه تاریخ و سیره مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات حوزه‌های علمیه

در مقابل امتیازات و قراردادهایی که شاهان بی‌لیاقت و بی‌کفایت قاجاری با دولت‌های استعماری امضا نموده و زمینه استعمار ملت را فراهم می‌کردند، اشاره نماییم. ملاعلی کنی <sup>علیه‌السلام</sup>، در مقابل قرارداد ننگین و استعماری رویتر ایستادگی کرد و تا لغو کامل آن از پای ننشست و یا میرزای شیرازی <sup>علیه‌السلام</sup> با همراهی علمای بزرگ دیگر قرارداد استعماری رژی را ملغی نمود. با رهبران مشروطه از علما که اصل مشروطه‌خواهی برای کاستن از سلطه استبداد شکل گرفت، اگرچه انحرافاتی در مشروطه به وجود آمد؛ اما اصل مشروطه مبارزه‌گری با استبداد بود که به رهبری علما و فقها محقق شد.

علما و فقها در مبارزه با استعمار که یک‌جانب آن استبداد بود، به قراردادهای منعقدشده استعماری آگاهی داشتند و با انعقاد آنها مبارزه می‌کردند؛ در این میان شاید خطرناک‌ترین تحرک استعمارگران خارجی، امضای قرارداد ۱۹۱۹ باشد که عملاً استقلال ایران را نادیده می‌گرفت و ایران را تبدیل به مستعمره واقعی انگلیس می‌نمود تا جایی که کنگروه صلح پاریس که همان روزها از نمایندگان کشورهای مستقل جهان تشکیل شده بود، به‌محض مطلع شدن از انعقاد چنین قراردادی، نمایندگان ایران را به کنگروه صلح نپذیرفت؛ یعنی ایران را دولت مستقلی نمی‌شناخت.<sup>۱</sup> به دنبال این مسأله اعتراض‌ها به رهبری علمایی همچون شهیدآیت‌الله مدرس و آیت‌الله کاشانی <sup>علیهم‌السلام</sup> بالا گرفت؛ به‌طوری‌که حتی شاه نیز از ترس خود حاضر به امضای قرار داد نشد. گفته شده است، در همین جریانات به‌هنگام مراجعت احمدشاه از سفر اروپا، به عراق رفت، در رواق حرم امام موسی‌کاظم <sup>علیه‌السلام</sup> با علما و روحانیون ملاقات کرد و در این ملاقات آیت‌الله کاشانی جوان‌ترین روحانی جمع بود که با شدت علیه قرارداد ۱۹۱۹م. سخن گفت و از احمدشاه خواست که کلیه نفوذ خود را برای جلوگیری از تصویب و اجرای قرارداد به‌کار برد و خطرگسترش استعمار انگلیس را که باعث سلب آزادی و نابودی استقلال است، یادآور شد.

همین روند در قراردادهای استعماری دیگر که قبل وبعد از این قرارداد در کشور امضا شده و زمینه سلطه و حضور استعمارگران را فراهم کرده، اجرا شده است؛ به‌همین دلیل استعمارگران به‌منظور از میان برداشتن موانع استعمار، تصمیم گرفتند، از سویی فرهنگ دینی استعمارستیز مردم را تضعیف نمایند. در این راستا، با تأسیس و راه‌اندازی فرقه‌های منحرف جهت تضعیف باورهای مردم به روحانیت و مرجعیت، اهداف خود را پیش گرفتند؛ از جمله جریان بهائیت که دست استعمار در این جریانات آشکار شده است. از سوی دیگر با اقدامات رضاخانی تلاش کردند تا روحانیت و علما را در ایران تضعیف نمایند و از جانب سوم، با تهاجم فرهنگی به ملت ایران و ترویج فرهنگ فساد و ابتذال کوشیدند تا به جای ملتی مقاوم و بیدار، نسلی خواب‌زده که قدرت کوچکترین واکنش فعالی در برابر استعمار ندارد، پرورش دهند.

از جمله مقاطع مهم تاریخ مبارزات ضد استعماری و استبدادی حوزه‌های علمیه و علمای اسلام که در آگاهی دادن به مردم نقش اساسی ایفا نمودند، انقلاب بزرگ اسلامی به رهبری مرجع دینی و روحانی بزرگ امام خمینی <sup>علیه‌السلام</sup> است؛ تردیدی نیست که حضور گسترده مردم با انگیزه‌های دینی از یک سو و حضور مراجع دینی، علماء و چهره‌های مذهبی در سطوح رهبری از سوی دیگر، از مشخصه‌های بارز این انقلاب می‌باشد؛ یعنی در واقع حضور مردم در این نهضت، به‌واسطه حضور علماء، مراجع مذهبی و دعوت آنان از مردم بوده است؛ به‌طوری‌که

استعمار پدیده‌ای است که از حدود قرن ۱۵ میلادی توسط اسپانیا و پرتغال شروع شد و سپس دولت‌های هلند، انگلستان، فرانسه، آمریکا و دیگر کشورها نیز، وارد این عرصه شدند و کلیه کشورهای جهان را یکی پس از دیگری عرصه تاخت و تاز استعمار خویش قرار دادند؛ به‌طوری‌که در قرن ۱۸، ۱۹ و حتی بخشی از قرن بیست میلادی، اکثر سرزمین‌های دنیای غیرغربی، تحت استعمار خارجی قرار داشت تا جایی که گفته می‌شود، غیر از هشت کشور جهان، سایر کشورها طعم تلخ استعمارگران را تجربه کرده‌اند. در این میان سرزمین ما، ایران نیز یکی از سرزمین‌هایی است که هرگز به‌صورت مستقیم مورد استعمار قرار نگرفت؛ با این حال این سخن هرگز به‌معنای این نیست که سرزمین ما هرگز مورد طمع استعمارگران نبوده، اقدامی برای استعمار آن صورت نگرفته و یا هیچ آسیبی از سوی استعمارگران به سرزمین ما وارد نشده است؛ بلکه شواهد متعدد حاکی از این است که ایران یکی از کشورهایی بود که همواره مورد طمع استعمارگران خارجی قرار داشته است و اساساً در شرایطی که سرزمین‌های پهناوری همچون کل قاره آفریقا، شبه‌قاره هند، بخش‌های وسیعی از سرزمین چین و… تحت استعمار دولت‌های استعمارگر قرار گرفته بودند، سرزمینی همچون ایران با موقعیت فرهنگی، جغرافیایی و سیاسی ویژه‌ای که داشت، بتانسیل قرار گرفتن در لیست اهداف استعماری استعمارگران را در سطح بسیار بالایی داشت.

علمای اسلام و فقها در مبارزه با استعمارگران پیشرو و پیش‌تاز بوده و هستند؛ چنانکه در مبارزات استبدادی مردم را رهبری نمودند، در مبارزه با استعمارگران نیز، همراه و کنار مردم بوده‌اند.

استعمارگران در تجزیه قلمروی اسلامی و تقسیم آن، به مناطق کوچک‌تر برای تسلط به آنها و ایجاد تفرقه و جنگ نقشه‌ها و طرح‌های بلندمدت کشیده‌اند؛ علما در مقابل استعمارگران پیش‌تازان بیداری مردم و مبارزات ضد استعماری بوده‌اند.

پس از تجزیه تلخ قلمروی اسلامی در پی سلطه انگلستان و فرانسه و… در نواحی جداشده از قلمروی گسترده عثمانی و دیگر مناطق اسلامی، چندین انقلاب بزرگ ضداستعماری در خاورمیانه که همه آنها مستقیم یا غیرمستقیم به رهبری فقها و علمای اسلام در حوزه نجف، قم و لبنان همانند: میرزای اول صاحب فتوای تحریم تنباکو میرزا محمدنقی شیرازی، شرف‌الدین و امام خمینی <sup>علیهم‌السلام</sup> شکل گرفت که چند دهه ادامه داشت وتأثیرات، نتایج و پیامدهای مثبت برای امت اسلام داشت. همه اینها برگرفته و متأثر از فرهنگ و مبانی دینی و آیات قرآنی بود.

در کنار فرهنگ دینی ضد استعماری مردم ایران، باید به نقش علمای آگاه و هوشیار در بیداری ملت‌ها و جلوگیری از استعمار آنها اشاره کرد. به‌عبارت دیگر در طول تاریخ این علما بودند که با تمسک به فرهنگ دینی ضد ظلم و سلطه، وظیفه هدایت و رهبری عموم مردم را بر اساس رسالت‌های پیامبر <sup>صلی‌الله‌عنه‌وآله‌وآلهم‌وسلم‌و</sup> گونه‌ای که بردوش خود احساس می‌کردند بر عهده می‌گرفتند و به‌همین دلیل شاهد آن هستیم که هر گاه تجاوز و یا سلطه‌ای کشور را تهدید کرده است، این علمای آگاه و بیدار بودند که در خط مقدم مبارزه با استعمار و بیگانگان ایستاده‌اند؛ چنانکه نقش فتاوی جهادی علما و مراجع عظام و حتی حضور مستقیم برخی از این علما در خط مقدم مبارزه با روس‌ها، نشان از این نقش و رسالت بزرگ دارد. همچنین لازم است، به نقش علمای بزرگ دوران قاجار